

رقم پیشنهادی ۱۰ هزار میلیارد تومان است افزایش اعتبار همسان سازی حقوق بازنشستگان

رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس، از افزایش اعتبار همسان سازی حقوق بازنشستگان در سال آینده خبر داد.

به گزارش مهر، سلمان خدادادی با اشاره به پیشنهاد کمیسیون اجتماعی مجلس به کمیسیون تلفیق در ارتباط با بازنشستگان، گفت: طبق مصوبه مجلس، ۸ هزار میلیارد تومان به ۲ هزار میلیارد مصوب دولت بابت بودجه صندوق بازنشستگی اضافه شده است.

وی که در نهمین گردهمایی روسای کانون‌های بازنشستگی استان تهران سخن می‌گفت، افزود: همچنین رساندن سقف خدمات بیمه‌ای به هر بازنشسته تا ۳۰ میلیون تومان برای هر سال، افزایش حقوق بازنشستگان متناسب با تورم (علاوه بر مبلغ اضافه شده در همسان سازی)، الزام دولت به پرداخت سود پاداش پایان خدمت بازنشستگان در صورت تأخیر در پرداخت و بر خورداری بازنشستگان از امکانات رفاهی به میزان برابر با شاغلان از دیگر مصوبات کمیسیون اجتماعی مجلس برای بازنشستگان بوده که به کمیسیون تلفیق پیشنهاد شده است.

خدادادی تأکید کرد: امیدوارم اعضای کمیسیون تلفیق در تصویب پیشنهادهای کمیسیون اجتماعی نهایت مساعدت را به عمل آورند.

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی:

بدهی دولت به تامین اجتماعی ۱۵۰ هزار میلیارد تومان است

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، بدهی واقعی دولت به تامین اجتماعی را ۱۵۰ هزار میلیارد تومان عنوان کرد و گفت: بدهی‌ها به تأیید سازمان حسابرسی رسیده است.

محمد شریعتمداری در گفت‌وگو با مهر افزود: بخشی از بدهی که توسط حسابرسان سازمان حسابرسی قطعی شده است تا پایان سال ۹۵، معادل ۸۰ هزار میلیارد تومان بوده است که این بدهی تأیید شده است.

وی ادامه داد: علاوه بر بدهی محاسبه شده بر او سازمانی است که مجموع بدهی‌ها با در نظر گرفتن سال‌های ۹۶ و ۹۷ به حدود ۱۵۰ هزار میلیارد تومان برسد.

وی در پاسخ به این سوال که سازمان برنامه و بودجه بدهی ۶۹ هزار میلیارد تومانی را برای سازمان تامین اجتماعی تأیید کرده است، گفت: رقمی که سازمان حسابرسی اعلام کرد، قطعی است و سازمان برنامه و بودجه در رقم اعلام شده اشتباه کرده است.

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در مورد ۵۰ هزار میلیارد تومانی که قرار بود در سال جاری بابت مطالبات تامین اجتماعی به این سازمان پرداخت شود، افزود: قرار بود این بدهی از طریق تهاوت شرکت‌های تامین اجتماعی با بانک مرکزی انجام شود که در برخی موارد بانک‌ها به بانک مرکزی بدهکار نبودند یا اینکه شرکت‌ها به بانک‌ها بدهی نداشتند و گاهی نیز شرکت‌هایی بودند که به بانک مرکزی بدهکار بودند ولی تامین اجتماعی به آنها بدهکار نبود و... که در این شرایط امکان تهاوت وجود نداشته است.

به گفته شریعتمداری، در مجموع کمتر از ۵ هزار میلیارد تومان از مبلغی که قرار بود پرداخت شود امسال هنوز باقی مانده است که در بودجه سال آینده عیناً این اعتبار به سازمان تامین اجتماعی پرداخت خواهد شد و امکان اینکه مبلغ باقی‌مانده از بین برود، وجود ندارد.

تجمع اعتراضی معلمان مدارس حمایتی یزد

صبح دیروز (۲۵ دی ماه) جمعی از معلمان مدارس حمایتی یزد در اعتراض به عدم دریافت معوقات مزدی خود به استانداری یزد مراجعه کردند. در یافت معوقات مزدی خود اعتراض دارند و می‌گویند: از فروردین ماه معوقات مزدی داریم. معترضان خواستار دخالت مقامات استانداری و باقی مقامات استانی در موضوع پرداخت معوقات مزدی خود شدند و گفتند: در اوضاع نابسامان فعلی، باید پرداخت مطالبات مزدی منظم و روی روال باشد و گر نه امورات زندگی لنگ می‌ماند.

خشکسالی شدید موجب نابودی کشاورزی و دامداری استان شده است

سیستان و بلوچستان فقیر و تشنه است

خشکسالی دوده‌ها خبر وی بی شدید موجب نابودی کشاورزی و دامداری ساکنان روستاهای پیرامون زاهدان شده است. در نتیجه بسیاری از روستاها یا خالی از سکنه شده یا اقامتگاه سالخورده‌گان شده است. در مقابل اما جمعیت زاهدان و حاشیه‌اش مرتباً فزونی یافته است. بی‌شک، تداوم این روند کورسوی چراغ زندگانی را در پیرامون زاهدان به خاموشی کامل می‌کشاند.



علی رفاهی

کشوری را به مکانی در ۳۳ کیلومتری مرکز استان بردم. فقر و خرابی چنان شایع بود که باور آنچه که می‌دیدند برایشان بسیار سخت بود.»

آب برای خوردن هم پیدا نمی‌شود

اسماعیل زهی می‌افزاید: در شعاع این منطقه پهناور که سابقاً انبار غله کشور محسوب می‌شد، با توجه به اخبار، این روزها دیگر به هر چیزی جز انبار غله و سرزمینی حاصلخیز برای کشاورزی شباهت دارد. مناطق پایین دست تر نیز وضع بهتری ندارند. کشاورزان پیرامون بزرگترین شهر و مرکز این استان که قاعدتاً باید خوشبخت‌تر از دیگران باشند، در واقعیت اصلاً خوشبخت نیستند.

مردم از بی‌آبی به زاهدان پناه می‌آورند

حسین اسماعیل زهی، رئیس شورای اسلامی بخش کورین می‌گوید: بی‌آبی آن قدر عرصه را بر زندگی مردم در روستاهای حوالی زاهدان بین ۲۰ الی ۳۰ کیلومتری (و حتی بیشتر) تنگ کرده که بسیاری، خانه و کاشانه خود را رها کرده و به این شهر پناه آورده‌اند. از کشاورزی در اینجا تنها یادونامی باقی مانده است. بنا بر گفته اسماعیل زهی، فقر و محرومیت آن چنان در مناطق پیرامون زاهدان، ریشه دوانده که اگر کسی این روستاها و مردمان را ببیند، باور نمی‌کند اینجا بخشی از ایران است. در همین زمینه به خاطرهای اشاره می‌کند: «مرداد امسال، تعدادی از مقامات

کشوری را به مکانی در ۳۳ کیلومتری مرکز استان بردم. فقر و خرابی چنان شایع بود که باور آنچه که می‌دیدند برایشان بسیار سخت بود.»

آب برای خوردن هم پیدا نمی‌شود

اسماعیل زهی می‌افزاید: در شعاع این منطقه پهناور که سابقاً انبار غله کشور محسوب می‌شد، با توجه به اخبار، این روزها دیگر به هر چیزی جز انبار غله و سرزمینی حاصلخیز برای کشاورزی شباهت دارد. مناطق پایین دست تر نیز وضع بهتری ندارند. کشاورزان پیرامون بزرگترین شهر و مرکز این استان که قاعدتاً باید خوشبخت‌تر از دیگران باشند، در واقعیت اصلاً خوشبخت نیستند.

مردم از بی‌آبی به زاهدان پناه می‌آورند
حسین اسماعیل زهی، رئیس شورای اسلامی بخش کورین می‌گوید: بی‌آبی آن قدر عرصه را بر زندگی مردم در روستاهای حوالی زاهدان بین ۲۰ الی ۳۰ کیلومتری (و حتی بیشتر) تنگ کرده که بسیاری، خانه و کاشانه خود را رها کرده و به این شهر پناه آورده‌اند. از کشاورزی در اینجا تنها یادونامی باقی مانده است. بنا بر گفته اسماعیل زهی، فقر و محرومیت آن چنان در مناطق پیرامون زاهدان، ریشه دوانده که اگر کسی این روستاها و مردمان را ببیند، باور نمی‌کند اینجا بخشی از ایران است. در همین زمینه به خاطرهای اشاره می‌کند: «مرداد امسال، تعدادی از مقامات

صحبت می‌کنم. صداها ایشان بسیار فروخورده و خسته است. یکی از آنها که اهل روستای گلچاه در بخش کورین است، می‌گوید: به همراه پدرم ۲ هکتار پسته و بیش از یک هکتار انار داشتم اما اکنون مدتی می‌شود که موتور ابمان خراب شده است. توانایی تأمین برق آن را هم نداریم. دولت هم وام بلاعوض نمی‌دهد. وامی هم که داده می‌شود، کار مزد بسیار بالایی دارد که توان پرداخت آن را نداریم. به گفته وی، ۱۰-۱۱ سال قبل حمایت‌ها بهتر بود. یک زمانی ۳ میلیون تومان وام بلاعوض می‌دادند اما اکنون حمایت‌ها آن قدر کم شده که دیگر نمی‌توانیم برق هم بخریم. می‌گویند: ۸ الی ۹ ماه پیش در ختان انار و پسته‌مان در شرایط حساسی از مراقبت و نگهداری بودند اما به خاطر فقدان بارندگی و نبود آب بارشان از دست رفت. این روزها چه می‌کنی: «مسافر کشی می‌کنم. چاره دیگری ندارم. اصلاً کاری دیگری برای انجام دادن باقی نمانده است. در منطقه ماقات‌هایی بسیار قدیمی بودند که سال‌ها مردم با بهره‌گیری از آنها کشت و کارشان را انجام می‌دادند اما همان‌ها نیز اکنون خشک شده‌اند.»

آب کم شده و زحمت افزون شده

با خشکسالی به نام ابراهیم صحبت می‌کنم. او نیز باغ پسته داشته است. به سال ۷۵ اشاره می‌کند و می‌گوید: در آن زمان سه برابر الان می‌توانستیم آب‌رسانی کنیم یعنی هر ۱۰ روز یکبار به باغمان آب می‌دادیم اما اکنون هر ۴۰ روز یکبار آب‌رسانی به پسته‌ایمان انجام می‌دهیم. آن موقع درآمد پسته خوب بود اما اکنون آب کمتر شده و در مقابل زحمت افزون شده. در مورد محصولاتی همچون گندم و یونجه می‌گوید: گندم کاری در اینجا چندان ثمربخش نیست. از هر هکتار نهایتاً ۲۵ الی ۳ تن می‌توان برداشت کرد. در آن زمان که آب بود این اندازه بار می‌داد الان که دیگر هیچی.

به پسته می‌رسیم. به قول ابراهیم درآمد و محصول پسته با توجه به این اقلیم همیشه به صرفه تر بوده اما امسال باغ پسته ۱۲ هکتاری ابراهیم تقریباً بی‌حاصل بوده است. شاید ۱۰۰ کیلو بار داده باشد.

از ششوه تأمین معاش خودش و هم‌ولایتی‌هایش می‌پرسم. می‌گوید: من کار دیگری دارم اما زندگی بسیاری مردم در اینجا عمدتاً وابسته به کشاورزی است. در کل همه‌مان مجبوریم با این شرایط کنار بیاییم. اصلاً چه می‌توانیم بکنیم؟

دوسال است باران نباریده

از عدم حمایت موثر نهادهای دولتی انتقاد می‌کنم می‌گوید: کمکی به ما نشده است. ۲۰ سال است در اینجا خشکسالی بی‌دای می‌کند و تقریباً طی

دوسال اخیر، بارندگی نداشتیم. در مورد هزینه‌های کار کشاورزی هم می‌گوید: گرچه کود به همان قیمت پارسال توزیع شد اما قیمت ادوات کشاورزی و برق گران تر شده است.

ابراهیم به گاز ویل کشی به عنوان تنها راه کسب درآمد در منطقه اشاره می‌کند: «مردم درآمد دیگری ندارند. هر کسی می‌تواند مقداری گاز ویل برداشته به جاده بزند تا آن را بفروشد. بسیاری در حین همین کار و بر اثر تصادف در جاده‌ها، جانشان را از دست می‌دهند.»

در مورد وضعیت روستاها هم می‌گوید: در حال خالی شدن از جمعیت هستند. کسانی که موتورهای آب‌شان از کار افتاده، از روستاها رفته‌اند چرا که دیگر آبی برای کشاورزی‌شان وجود ندارد که موتورهایشان را به کار بیندازند. گاز ویل هم بشکته‌ای ۸۰۰ هزار تومان شده که بهای بالایی دارد.

فقط سالخوردگان باقی مانده‌اند

ابراهیم اضافه می‌کند: فقط مساله نبود آب کشاورزی نیست. آب خوردن برای مردم راهم از جاهای دیگر برایشان می‌آورند. آن قدر جوان‌ها از روستاها رفته‌اند که دیگر روستاها شده محل زندگی سالخوردگان.

محمد هم کشاورزی است از کشاورزان بخش کورین. مشکلات را ردیف می‌کند و می‌گوید: فقدان سوخت و نبود آب و بارندگی، دست به دست هم داده تا زمین‌هایمان خشک شوند. قناتی که سال‌ها از آن استفاده می‌کردیم کاملاً خشک شده است. مردم برای کشیدن آب، به موتورهای گاز ویلی روی آورده‌اند اما سوخت را تاگزیریم گران بخریم. موتورهای برقی هم کاری از پیش نمی‌برند.

وی ادامه می‌دهد: آب‌ها تفنشین شده‌اند اما پشتوانه مالی برای برداشت آب‌های زیرزمینی در عمق‌های زیاد را نداریم. نبود سوخت و ادوات کشاورزی را به اوضاع خراب اقتصادی اضافه کنید تا متوجه بشوید چرا مردم دیگر هیچ درآمدی ندارند و کاری برای سرپا نگه داشتن کشاورزی‌شان نمی‌توانند انجام دهند.

محمد درباره خودش می‌گوید: پنج سالی می‌شود که دیگر کشاورزی انجام نمی‌دهم. شغل آزاد دارم و مسافر کشی می‌کنم. در مورد محل سکونتش هم

می‌گوید: به زاهدان مهاجرت کرده‌ام. من و بسیاری دیگر به خاطر خانواده و فرزندانمان، کار کشاورزی و دامداری را رها کرده و به شهر آمدیم. از علاقه مردم به کار کشاورزی می‌گوید. به گفته محمد، تعداد بسیار کمی هستند که هنوز کشاورزی‌شان را دوست دارند. البته نه که من علاقه‌مند به کشاورزی نباشم اما مثل برخی دیگر درآمد کفاف هزینه‌های این کار را نمی‌دهد.

در بخش کورین ۲۸ هزار نفر زندگی می‌کنند و از این جمعیت، حداقل ۸۰ درصد دچار آسیب شدیدی ناشی از بی‌آبی و فقر شده‌اند. بقیه نیز وضعیت بهتری ندارند. در نهایت در اینجا ۱۰ تا ۱۵ نفر کشاورز صاحب باغ پسته هستند

در پایان، محمد حرفی می‌زند که بسیار مهم است و نه تنها به دل می‌نشیند بلکه به فکر برنامه‌ریزان هم باید برسد: آدم توی زمین خودش کار کند بهتر است تا اینکه به شهر بیاید و شهری شده و برای دیگران کار کند.

نظام ناکارآمد بر نامهریزی

طی چند روز اخیر صحبتی از سید محمد حسین شریعتمداری، سرپرست مرکز ملی مطالعات راهبردی کشاورزی و آب اتاق ایران در رسانه‌ها منتشر شده مبنی بر اینکه فقط پنج سال تا بروز فاجعه عمومی آب در کشور فاصله داریم که ناشی از ۵۰ سال سسوء تدبیر در این زمینه است.

در عین حال، این حقیقت را هم نمی‌توان کتمان کرد که به خاطر بی‌توجهی مسئولان کشور، اقدامات نسنجیده و عدم درک شرایط اقلیمی منطقه، وضعیت روزمره بسیاری بخش‌های سیستان و بلوچستان همان چیزی است که آقای شریعتمداری بدان اشاره کرده است. کمتر منطقه‌ای در ایران وجود دارد که این چنین درگیری‌های و محرومیت اقتصادی و زیرساختی به‌طور هم‌زمان باشد.

این مسائل خود چالش‌های زیادی را پیش پای برنامه‌ریزان خواهند گذاشت. حال در کنار این موضوعات، بی‌توجهی به مسک زندگی مردم منطقه و روش‌های مورد استفاده آنها در بهره‌برداری از آب و خاک در مشاغل پرقدمتی همچون کشاورزی و دامپروری، به اشتباهات جبران‌ناپذیری منجر خواهد شد.

در واقع، سیستان و بلوچستان که به لحاظ وسعت، از تنوع اکولوژیک بالایی برخوردار است، نیازمند برنامه‌ریزی کاملاً متفاوت از الگوی بسته و کلی‌نگر مرکز نشینان است.

با این حال، مراکز برنامه‌ریزی کشور به‌نظر نمی‌رسد با دامه‌روند کنونی اتفاق جدیدی را برای شهر و ندان این خطه از ایران رقم بزنند چرا که تا بوده، تعدادی هشتاد و ابراز نگرانی بوده است. متأسفانه سیستان و بلوچستان در عمل تبدیل شده به یک پرده‌نمایش بزرگ از نمایش فقر که هر از چندی مسئولان با آن عکس یادگاری می‌گیرند بی‌آنکه اقدامی پایدار یا کارآمد برایش انجام دهند.



در شعبه ۶۸ دادگاه تجدیدنظر بررسی شد که دادگاه اتهام‌های اهل در انجام وظیفه را در محکومیت مرتضوی برادر ارتباط با تصرف غیرقانونی تأیید کرد. مرتضوی هم اکنون به خاطر محکومیت به دوسال حبس از بابت شکایت اولیای مردم روح‌الامینی یکی از جان‌باختگان حادثه‌های دانشگاه که هرگز در زندان به سر می‌برد. او همچنین به اتهام ورود غیر مجاز به منزل یکی از نمایندگان مجلس به ۶ ماه حبس قطعی محکوم شده است.

مدافع ترک همدانی یادآور شد: جالب این است

که در پرونده‌های شبیه همین مورد که در آنجا هم مرتضوی از موکلم شکایت کرده بود، شعبه ۱۰۸۰ دادگاه عمومی سابق قابل صوتی مصاحبه موکل را پیاده کرد و وقتی دید نامی از مرتضوی برده نشده، حکم به برائت داد اما در این پرونده، دادگاه اتفاقی به این مساله نداشت. پرونده سعید مرتضوی در ارتباط با تخلفات رخ داده در سازمان تامین اجتماعی دارای دو بخش بود که در بخش نخست در شعبه نهم دادگاه کیفری یک به ریاست قاضی محمدی کشکولی از بابت تصدی غیرقانونی پست‌سریستی تأمین اجتماعی به‌شش ماه حبس تعلیقی از بابت تحصیل مال نامشروع به شش ماه حبس تعزیری و بابت حقوق دریافتی ایام سرپرستی که مبلغی حدود ۴۶ میلیون تومان بوده، به رد مال محکوم

افترا می‌داند اما این در حالی است که موکل در

جایگاه وکیل کارگران تامین اجتماعی در پرونده مرتضوی به‌خاطر آنچه «نام بردن از او در مصاحبه‌ای پیش از قطعی شدن حکمش» عنوان شده به شش ماه حبس تعزیری محکوم کرد. پیمان حاج‌محمود عطار، وکیل مدافع مصطفی ترک همدانی در گفت‌وگو با ایرنا با اعلام این خبر گفت که دادگاه تجدیدنظر در رسیدگی به شکایت سعید مرتضوی از موکلم، ضمن تأیید رأی محکومیت، حکم ۱۰ ماه حبس او را به شش ماه حبس تعزیری تقلیل داده و محکومیت به ۴۰ ضربه تازیانه هم به مدت یک‌سال، تعلیق شده است. این وکیل دادگستری درباره شکایت مرتضوی از موکلمش گفت: یک ماده قانونی وجود دارد که انتشار حکم پیش از قطعی شدن آن را در حکم

شکایت مرتضوی به دلیل انتشار نام قبل از قطعی شدن حکم

وکیل کارگران تامین اجتماعی به ۶ ماه حبس محکوم شد

شعبه ۶۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران وکیل کارگران تامین اجتماعی را با شکایت سعید مرتضوی به‌خاطر آنچه «نام بردن از او در مصاحبه‌ای پیش از قطعی شدن حکمش» عنوان شده به شش ماه حبس تعزیری محکوم کرد.

پیمان حاج‌محمود عطار، وکیل مدافع مصطفی ترک همدانی در گفت‌وگو با ایرنا با اعلام این خبر گفت که دادگاه تجدیدنظر در رسیدگی به شکایت سعید مرتضوی از موکلم، ضمن تأیید رأی محکومیت، حکم ۱۰ ماه حبس او را به شش ماه حبس تعزیری تقلیل داده و محکومیت به ۴۰ ضربه تازیانه هم به مدت یک‌سال، تعلیق شده است.

این وکیل دادگستری درباره شکایت مرتضوی از موکلمش گفت: یک ماده قانونی وجود دارد که انتشار حکم پیش از قطعی شدن آن را در حکم